

تردید در چراغ سبز ترامپ به بی‌بی

چرا تل‌آویو اکنون این همه نگران برنامه موشکی ایران شده است؟

در آستانه سفر جدید بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به واشنگتن، گمانه‌زنی‌ها در مورد اهداف این سفر در رسانه‌های بین‌المللی شدت گرفته است. آکسیوس مدعی شد؛ سه منبع غربی به باراک رابود، گزارش‌گر این رسانه غربی گفته‌اند مقامات اسرائیلی اخیرا به دولت دونالد ترامپ هشدار دادند که رزمایش‌های موشکی اخیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌تواند نوعی ایجاد آمادگی برای حمله به اسرائیل باشد. به گفته یک منبع دیگر، دستگاه اطلاعاتی اسرائیل شش هفته پیش، پس از شناسایی جابه‌جایی سامانه‌های موشکی در ایران، نگرانی‌های مشابهی را مطرح کرد، اما در نهایت هیچ اتفاقی نیافتاد. «احتمال حمله ایران کمتر از ۵۰ درصد است، اما هیچ کس حاضر نیست ریسک کند و فقط بگوید که این فقط یک رزمایش است». یک منبع آمریکایی هم به آکسیوس گفته که دستگاه اطلاعات ایالات متحده در حال حاضر هیچ مدرکی و نشانه‌ای بابت احتمال قریب‌الوقوع بودن حمله ایران در دست ندارد.

خطر اشتباه محاسباتی

به گفته منابع آگاه، ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل، روز شنبه با دریاسالار برد کوپر، رئیس فرماندهی مرکزی ایالات متحده، تماس گرفته و از بابت رزمایش موشکی که سپاه پاسداران چند روز پیش آغاز کرده، ابراز نگرانی کرده است. زمیر به کوپر گفته که تحرکات موشکی اخیر ایران و سایر اقدامات عملیاتی می‌تواند پوششی برای یک حمله غافلگیرانه باشد. زمیر از نیروهای آمریکایی و اسرائیلی خواسته تا در مورد آمادگی‌های دفاعی از نزدیک هماهنگ باشند. به نوشته اکوایران؛ کوپر روز یک شنبه در تل‌آویو حضور داشته و با زمیر و مقامات ارشد ارتش اسرائیل برای بحث در مورد این وضعیت جلسه‌ای برگزار کرد. منابع آگاه تأیید کرده‌اند که بزرگ‌ترین خطر پیش‌رو این است که اسرائیل و ایران در نتیجه یک اشتباه محاسباتی وارد جنگ شوند، چرا که هر کدام از طرف‌ها تصور می‌کنند که طرف دیگر قصد حمله دارد و تلاش می‌کند از آن جلوگیری کند.

بی‌بی در میانه

انتظار می‌رود نتانیاهو در ۲۹ دسامبر در میامی با ترامپ دیدار کند. به گفته منابع اسرائیلی، نتانیاهو می‌خواهد درباره تلاش‌های ایران برای بازسازی قابلیت‌های موشک‌های بالستیک خود و احتمال حمله دیگری علیه ایران در سال ۲۰۲۶ بحث کند. شبکه خبری ان‌بی‌سی نیوز برای اولین بار از قصد نتانیاهو برای بحث در مورد این موضوع با ترامپ خبرداد. منابع اسرائیلی به آکسیوس گفته‌اند که اطلاعات اسرائیل نشانه‌های اولیه‌ای در دست دارند که لالالت بر تجدید تقویت قابلیت‌های موشکی ایران با هدف فراتر از پیش از جنگ ۱۲ روزه در ماه ژوئن دارد.

بر اساس ادعای این منابع، ایران پیش از جنگ در حدود ۳۰۰۰ موشک داشت و در پایان جنگ، ذخایرش به حدود ۱۵۰۰ موشک رسید و در پایان جنگ ۳۰۰ پرتابگر از ۴۰۰ پرتابگر قبلی باقی‌ماند. به ادعای منابع اسرائیلی، ایرانی‌ها اقداماتی را برای بازسازی نیروهای خود آغاز کردند اما به سطح قبل از جنگ بازنگشته‌اند. این منابع گفته‌اند که تخمین اطلاعات نظامی اسرائیل و موساد این است که سرعت بازسازی توان موشکی ایران، فوری‌تری برای اقدام نظامی در دو تا سه ماه آینده ایجاد نمی‌کند، اما این موضوع ممکن است در اواخر سال آینده به یک مسئله فوری تر تبدیل شود.

فوری‌ترین نگرانی تل‌آویو

بنا به ادعای آکسیوس در روزهای گذشته ان‌بی‌سی نیوز برای اولین بار در گزارشی اعلام کرد که مسئله ایران یکی از موضوعات اصلی سفر نتانیاهو به واشنگتن است. بر این اساس مقامات اسرائیلی معتقدند که ایران در حال گسترش برنامه موشک‌های بالستیک خود است و آنها در جلسه آینده با ترامپ این برنامه را به عنوان تهدید جدیدی مطرح می‌کنند. مقامات اسرائیلی به طور فزاینده‌ای نگران گسترش تولید برنامه موشک‌های بالستیک ایران و بازسازی سایت غنی‌سازی ساری هسته‌ای ایران هستند.

تهدید واقعی

به گفته دو مقام سابق اسرائیلی، اگر اختلاف بین مقامات ایالات متحده و اسرائیل بر سر رویکرد نتانیاهو به آتش‌بس در غزه ادامه یابد، ترامپ ممکن است اشتیاق کمتری به اقدام نظامی جدید در ایران داشته باشد. یکی از مقامات سابق اسرائیلی تأیید کرده که تهدید موشک‌های بالستیک و تعداد آنها که ایرانی‌ها می‌توانند است. به گفته یک منبع مطلع، حجم زیاد موشک‌های بالستیک به ایران کمک می‌کند تا از سایت‌های غنی‌سازی هسته‌ای خود بهتر دفاع کند. مقامات اسرائیلی همین نگرانی‌ها را در مورد بازسازی سیستم‌های دفاع موشکی ایران و تأمین مالی و تسلیحاتی نیروهای متحدش در منطقه دارند و معتقدند که تهران در این صورت، بازسازی برنامه هسته‌ای خود را تسریع خواهد کرد زیرا بهتر می‌تواند از سایت‌های غنی‌سازی خود دفاع کند.

تردید در چراغ سبز ترامپ

در همین شرایط، یک رسانه صهیونیستی گزارش داد نتانیاهو قصد دارد در دیدار پیش‌روی خود با ترامپ در مارا-لاگو، سه هدف اصلی را دنبال کند: خلع سلاح حماس، خلع سلاح حزب‌ا... و رویارویی با ایران. مقامات اسرائیلی در حال آماده‌سازی یک پرونده اطلاعاتی دقیق برای ارائه به ترامپ هستند تا او را متقاعد کنند حمله جدیدی به ایران انجام دهد. این پرونده تلاش‌های ادعایی ایران برای احیای برنامه هسته‌ای خود، بازسازی توانایی‌های موشک‌های بالستیک، گسترش عملیات جهانی سپاه پاسداران و افزایش حمایت از حماس، حزب‌ا...، حوثی‌ها و دیگر گروه‌های مسلح را تشریح می‌کند.

روایت متفاوت قائم‌مقام حزب اعتماد ملی از جلسه اصلاح‌طلبان با رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»

وفاق عامل ناکارآمدی

دولت است



تئوری «عبور از پزشکيان» دسيسه اصولگرايان است

پزشکيان از اصلاح‌طلبان عبور کرده‌است

پزشکيان در درون جريان اصلاحات تک‌روی می‌کند



در حالی است که این اتفاق در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد و کسی که رئیس‌جمهور می‌شود به جریان سیاسی خود وفادار می‌ماند و مدیرانی را انتخاب می‌کند که در جریان حامی او قرار داشته‌است و نه رقیب سیاسی. چند گزینه اصلاح‌طلبی نیز که در کابینه آقای پزشکيان حضور دارند در سمت‌های غیرکلیدی و غیرحساس قرار دارند. در واقع امروز بیشتر تصمیم‌های کلان کشور در اختیار اصولگرایان قرار دارد و نه اصلاح‌طلبان. این وضعیت نیز توسط اصلاح‌طلبان در سراسر کشور رصد می‌شود و به همین دلیل امروز با نوعی سرخوردگی و دلسردی در این زمینه مواجه هستیم.»

آرمان ملی- احسان انصاری: در جلسه اصلاح‌طلبان با رئیس‌جمهور چه گذشت؟ چرا اصلاح‌طلبان در این جلسه بی‌پرده با پزشکيان صحبت کردند و پزشکيان چه پاسخی داد؟ آیا اصلاح‌طلبان تئوری عبور از پزشکيان را دنبال می‌کنند و یا اینکه پزشکيان در حال عبور از جریان اصلاح‌طلبی است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر اسماعیل گرامی‌مقدم، قائم‌مقام حزب اعتماد ملی گفت‌وگو کرده است. گرامی‌مقدم در این زمینه معتقد است: «آقای پزشکيان همه قواعد بازی سیاسی را بهم زده است. در عمل پزشکيان از اصلاح‌طلبان عبور کرد و پس از اینکه به ریاست جمهوری رسید با جریان رقیب برای انتخاب مدیران وارد مذاکره شد. این

آقای پزشکيان گفتند مادر سازمان ملل با مقامات فرانسوی رایزنی لازم را انجام دادیم و به تفاهم رسیدیم، با این وجود هنگامی که مقامات فرانسه با مقامات آمریکایی مذاکره کردند این تفاهم، مورد پذیرش آنها قرار نگرفت

کرد که اتفاقا در چنین شرایطی وفاق شکل می‌گیرد. ضعف دیگری که در سخنان آقای پزشکيان مشهود بود این بود که ایشان تأکید می‌کرد که به تئوری‌ها و طرح‌ها اهمیت نمی‌دهد. این حرف نیز مانند حرف همیشه‌گی آقای پزشکيان که عنوان می‌کند برنامه ندارد و برنامه دولت ایشان سیاست‌های کلی ابلاغی است، این در حالی است که مجری هم باید در اجرا برنامه داشته باشد تا بتواند اهداف را محقق کند. پرسشی که در این زمینه مطرح است این است که اگر رئیس‌جمهور یک کشور به تئوری‌های علمی توجه نکند پس قرار است به چه چیزی توجه کند؟ دنیای امروز اگر به اقتصاد بویا و رفاه عمومی دست پیدا کرده به پشتوانه نظریات و تئوری‌های علمی است رئیس‌جمهور یک کشور نمی‌تواند نسبت به تئوری‌های علمی بی‌اعتنا باشد. نکته دیگری که در سخنان رئیس‌جمهور وجود داشت این بود که اغلب حاضران در جلسه به آقای پزشکيان گفتند این قدر نگوید هر کسی می‌تواند مشکلات را حل کند بیاید. این گونه اظهار نظرها نشانه نقطه ضعف و تزلزل یک رئیس‌جمهور است. نکته دیگری که به رئیس‌جمهور در این جلسه انتقال داده شد این بود که در زمینه دیپلماسی نیز دولت نباید دست روی دست بگذارد و همچنان باید مذاکرات را ادامه بدهد تا در نهایت راه جدیدی پیدا شود.

آیا اصلاح‌طلبان تئوری عبور از پزشکيان را دنبال می‌کنند؟

اصلاح‌طلبان به شدت منتقد تئوری وفاق پزشکيان هستند و آن را دلیل اصلی ناکارآمدی دولت می‌دانند. آقای پزشکيان نیز باید این نکته را بی‌پدیرد که نمی‌توان با مخالف سیاسی خود وفاق کرد و کابینه تشکیل داد

سید جلال ساداتیان:

ایران باید بن بست موجود را بشکند

فلسطین هم به همین صورت پیش رفت. آنها از این شرایط دلخور هستند و به نوعی از موضع بالا با ایران برخورد می‌کنند. در نتیجه، ما دیپلماسی فعالی در ارتباط با افغانستان نداریم. سفیر سابق ایران در انگلیس در رابطه با عدم موفقیت ایران در پیشبرد ابتکارات خود به ویژه در منطقه غرب آسیا تصریح کرد: آنها نیز نگاهشان به قاعده جاری است. زمانی ما امتیازات خوبی داشتیم، در اواخر دوره آقای روحانی و آقای ظریف، موقعیت خوبی در منطقه داشتیم. به اندازه کافی ابزار داشتیم که بتوانیم برجام را حل کنیم. اگر مسأله برجام حل شده بود، بسیاری از مسائل دیگر نیز قابل حل بودند. این دیپلمات بان‌زشته با تأکید بر اینکه ما بر این باوریم که باید با آن‌ها بی‌شمار هماهنگ باشیم و در نتیجه، هیچ‌کدام از مسائل مربوط به حق‌آبه و مهاجرین را نتوانسته‌ایم حل کنیم. همچنین، آنها ناراضی هستند از اینکه مهاجرینی غیرقانونی رفت، لبنان تضعیف شد و وضعیت

به نظر من تئوری عبور از پزشکيان دسیسه‌ای است که جریان اصولگرایی راه انداخته است. نگرش اصلاح‌طلبی ذاتاً همراه با انتقاد و سازندگی است. ما اصلاح‌طلبان مانند اصولگرایان نیستیم که ضعف‌های خود را مطرح نکنیم و با منافع ملی به صورت دوگانه برخورد کنیم. ما آنچه لازم باشد را به دولت منتقل می‌کنیم و اگر انتقادی نیز وجود داشته باشد به‌غم اینکه دولت پا بیاگاه اصلاح‌طلبی باشد عنوان می‌کنیم. استراتژی اصلاح‌طلبان حمایت و نقد دولت پزشکيان است. البته این دیدگاه بنده است و باید ببینیم در آینده جریان اصلاحات چه استراتژی نسبت به دولت خواهد داشت. اصلاح‌طلبان به دنبال این نیستند که چشم خود را به روی ضعف‌ها ببندند. در عین حال اگر دولت اقدام مثبتی نیز انجام بدهد از آن حمایت کرده و در آینده نیز حمایت می‌کنیم. با این وجود در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان به شدت منتقد تئوری وفاق پزشکيان هستند و آن را دلیل اصلی ناکارآمدی دولت می‌دانند. آقای پزشکيان نیز باید این نکته را بی‌پدیرد که نمی‌توان با مخالف سیاسی خود وفاق کرد و کابینه تشکیل داد. در هیچ کجای دنیا هم چنین اتفاقی رخ نداده که یک رئیس‌جمهور به حمایت یک جریان سیاسی به قدرت رسیده، اما پس از به قدرت رسیدن با جریان مخالف خود اختلاف کرده است. آقای پزشکيان برنامه‌های خود را در درون جبهه اصلاحات مطرح کردند و اصلاح‌طلبان ماشین انتخاباتی خود را پشت سر ایشان قرار دادند. با این وجود ایشان بانک روی با مخالفان سیاسی تحت عنوان وفاق ملی همراه شده که برخلاف خواست اصلاح‌طلبان است. هیچ تئوری و نظریه علمی پشت وفاق ملی مورد نظر آقای پزشکيان نیست. با ناکارآمدی وزرا و استانداران نیز امروز برای همه مشکل شده که دغدغه پزشکيان در این زمینه درست و دقیق بوده است.

آیا پزشکيان در حال عبور از اصلاح‌طلبان است؟

این سوالی است که خود آقای پزشکيان باید به آن پاسخ بدهد. با این وجود آقای پزشکيان همه قواعد بازی سیاسی را به هم زده است. در عمل پزشکيان از اصلاح‌طلبان عبور کرد و پس از اینکه به ریاست جمهوری رسید با جریان رقیب برای انتخاب مدیران وارد مذاکره شد. این در حالی است که این اتفاق در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد و کسی که رئیس‌جمهور می‌شود به جریان سیاسی خود وفادار می‌ماند و مدیرانی را انتخاب می‌کند که در جریان حامی او قرار داشته‌است و نه رقیب سیاسی. چند گزینه اصلاح‌طلبی نیز که در کابینه آقای پزشکيان حضور دارند در سمت‌های غیرکلیدی و غیرحساس قرار دارند. در واقع امروز بیشتر تصمیم‌های کلان کشور در اختیار اصولگرایان قرار دارد و نه اصلاح‌طلبان. این وضعیت نیز توسط اصلاح‌طلبان در سراسر کشور رصد می‌شود و به همین دلیل امروز با نوعی سرخوردگی و دلسردی در این زمینه مواجه هستیم.

نستیم در این شرایط مذاکره کنیم. مذاکره باید در شرایطی متعادل و مناسب صورت بگیرد. سفیر سابق ایران در انگلیس اضافه کرد: غربی‌ها هم کوتاه نیامده‌اند و بر این باورند که اگر فشار دیپلماتیک و تحریمی را بر ایران وارد کنند، نهایتاً ایران در موقعیتی قرار خواهد گرفت که تسلیم آن‌ها شود. آن‌ها به تسلیم بدون قید و شرط ایران نیاز دارند و طرف ایرانی هم با توجه به امکانات و موقعیت‌هایی که در اختیار دارد، فکر می‌کند با تأکیه بر سخت‌افزارهای موجود می‌تواند مقاومت را ادامه دهد. وی با بیان اینکه این وضعیت به جایی رسیده است که طرفین یک‌دیگر را تحمل نمی‌کنند و قابل مذاکره نیستند، خاطرنشان کرد: واقعیت این است که نباید بگوییم فقط ایران باید به نقطه‌ای کوتاه بیاید، بلکه طرفین باید به نقطه‌ای برسند که بتوانند مذاکره کنند، در این شرایط گفت‌وگوها معنا پیدا می‌کند. در حالی که ما به لحاظ استراتژیک می‌گوییم که ایران باید بتواند از کسانی که فعال در زمینه میانجیگری و منطقه‌ای هستند، بهتر استفاده کند و ابتکارانی را به کار ببندد که بتواند این بن‌بست را بشکند و اجازه ندهد که این وضعیت بیش از این ادامه پیدا کند.

یادداشت

عربستان موازنه‌گر



معمومه علیانور

تحلیلگر مسائل بین‌المللی

این مقاله، در ظاهر تحلیلی از رفتار عربستان سعودی در جریان بحران ایران و اسرائیل ارائه می‌دهد، اما در سطحی عمیق‌تر، تلاشی برای بازتعریف جایگاه عربستان در نظم امنیتی خاورمیانه است. اهمیت این متن برای سیاست خارجی ایران، نه صرفاً در توصیف رویدادها، بلکه در نوع روایتی است که از نقش عربستان، ماهیت ایران و قواعد بازی منطقه‌ای ارائه می‌کند. در این مقاله، عربستان نه به‌عنوان بازیگری تقابلی و نه به‌عنوان میانجی بی‌طرف، بلکه به‌مثابه یک موازنه‌گر فعال معرفی می‌شود؛ کشوری که هدف اصلی‌اش نه حمایت از ایران و نه همراهی با اسرائیل، بلکه کنترل دامنه بحران و حفاظت از نظم امنیتی خلیج فارس است. این تصویر، مستقیماً با منافع و محدودیت‌های سیاست خارجی ایران گره می‌خورد. رفتار عربستان در جریان جنگ دوازده‌روزه ایران و اسرائیل، در نگاه نخست نشانه‌ای از بی‌طرفی و دیپلماسی فعال به نظر می‌رسد. محکومیت صریح حملات اسرائیل به ایران، تماس مستقیم با مقامات ایرانی و تأکید مداوم بر راه‌حل دیپلماتیک، همگی مؤید این برداشت هستند. اما این بی‌طرفی، بی‌طرفی خنثی نیست. عربستان با پذیرش مشروعیت کنش نظامی ایران مشکل دارد و همواره تهران را به خوشبیننداری فرامی‌خواند. این رفتار نشان می‌دهد که دیپلماسی عربستان نه برای تغییر موازنه منطقه‌ای، بلکه برای مهار رفتار ایران در چارچوب نظم امنیتی مطلوب ریاض طراحی شده است. از منظر سیاست خارجی ایران، این نکته بسیار مهم است: عربستان دیگر ایران را دشمن ایدئولوژیک مطلق تصویر نمی‌کند، اما همچنان آن را یک متغیر امنیتی پرنسبک می‌داند که باید مدیریت شود. آشتی سال ۲۰۲۳ میان تهران و ریاض، بیش از آنکه به معنای همکاری راهبردی باشد، تلاشی برای کاهش هزینه‌های تقابل مستقیم بوده است. بحران اخیر نشان داد که این آشتی، به‌محض احساس تهدید مستقیم علیه خلیج فارس، به‌سرعت در اولویت‌بندی امنیتی عربستان عقب می‌شیند. نقطه عطف واقعی این تغییر، حمله ایران به پایگاه آمریکایی در قطر بود. این اقدام، آستانه تحمل عربستان را به‌وضوح آشکار کرد. با پیش از آن، ریاض تلاش می‌کرد میان محکومیت همکاری راهبردی با اسرائیل و حفظ کانال گفت‌وگو با ایران تعادل برقرار کند، اما با ورود تهدید به خلیج فارس، عربستان بی‌درنگ به منطق بازاردنگی سخت بازگشت، همکاری امنیتی با ایالات متحده را تقویت و ایران را به‌عنوان تهدید مستقیم امنیت منطقه‌ای بازتعریف کرد. این واکنش نشان می‌دهد که دیپلماسی عربستان تنها تا جایی معتبر است که امنیت منطقه‌ای فارس به‌طور مستقیم به چالش کشیده نشود. در این چارچوب، سیاست خارجی ایران با یک واقعیت ساختاری مواجه است. روابط تهران و ریاض نه به سمت دشمنی آشکار بازگشته و نه به سمت شراکت پایدار حرکت کرده است. آنچه شکل گرفته، نوعی رابطه مبتنی بر «تنظیم رقابت» است؛ رابطه‌ای که در آن گفت‌وگو ممکن است، اما خطوط قرمز امنیتی به‌شدت محدودکننده باقی می‌مانند. هر کنش منطقه‌ای ایران که از نگاه عربستان تهدیدی مستقیم علیه خلیج فارس تلقی شود، می‌تواند موازنه رفتاری ریاض را به‌سرعت به سمت ائتلاف امنیتی با ایالات متحده سوق دهد. در کنار این پیامدهای عملی، مقاله حامل یک پیام گفت‌وگامی روشن نیز هست. متن می‌کوشد عربستان را به‌عنوان ستون ثبات و بازیگر ضروری در مدیریت امنیت خاورمیانه بازنامی کند. در این روایت، عربستان کشوری است که هم‌توان گفت‌وگو با ایران را دارد، هم اجماع عربی و اسلامی ایجاد می‌کند و هم پل ارتباطی با قدرت‌های غربی باقی می‌ماند. این تصویر، به‌ویژه برای مخاطب غربی، این پیام را القا می‌کند که بدون نقش فعال عربستان، مهار بحران‌های منطقه‌ای ممکن نیست. مهم‌زمان، بازنامی ایران در مقاله واجد دلالت‌های مهمی است. ایران نه به‌عنوان قربانی اصلی تجاوز، بلکه به‌عنوان بازیگری معرفی می‌شود که رفتار آینده‌اش تعیین‌کننده مسیر بحران است. به‌طور ضمنی، اگر تنش‌ها تشدید شود، مسئولیت آن نه متوجه اسرائیل، بلکه متوجه و فشار هنجاری می‌کند. از این منظر، پیام نهایی مقاله برای ایران روشن است: گفت‌وگو پذیرفتنی است، اما تنها در چارچوب نظم که عربستان و متحدانش آن را تعریف می‌کنند. دیپلماسی مطلوب نوسنده، دیپلماسی‌ای است که رفتار ایران را محدود کند، بدون آنکه ساختار امنیتی مبتنی بر حضور ایالات متحده و نقش محوری عربستان به چالش کشیده شود. برای سیاست خارجی ایران، درک این پیام القایی اهمیت حیاتی دارد. چالش اصلی تهران صرفاً رفتار عربستان نیست، بلکه روایتی است که در حال تثبیت جایگاه عربستان به‌عنوان تنظیم‌کننده نظم امنیتی منطقه‌ای است. هرگونه خوش‌بینی افراطی نسبت به تغییر ماهیت روابط تهران و ریاض، می‌تواند به خطای محاسباتی منجر شود. روابط دو کشور وارد مرحله‌ای شده که در آن، نه ناپلئونی و نه مصالحه، بلکه مدیریت تهدید و کنترل بحران منطق غالب است.